



## مولایی: زیر بار نرفتم که «می خواهم زنده بمانم» دو رابسامز

کار فیلمنامه نویسی برای شبکه نمایش خانگی یک باگ دیگری هم دارد و آن اینکه شما از فصل اول هنوز نمی دانید که آیا فصل دومی در کار است یا خیر. برای مثال زمانی که «زخم کاری» تمام شد یک نفر در لایو اینستاگرام از محمد حسین مهدویان پرسید که آیا فصل دوم را می سازید؟ او در پاسخ گفت: باید به آن فکر کنم که ببینم می شود ساخت یا خیر؟ در حالی که نباید برای یک سریال تا این اندازه پر مخاطب و خوب موضع تکلیف نامشخص داشت.

**مولایی:** این هم یکی از مصیبت‌ها و مشکلات است. یعنی همه کارها این طور هستند که می گذارند بعد از اینکه فصل اول گرفت، اگر خواستند دو را می سازند. در جاهای دیگر، قاعده‌اش این است که وقتی شما می گوید سریال، یعنی حداقل سه فصل باید ساخته شود. یعنی زمانی که می خواهید طرح را ارائه کنید بلافاصله می گویند که طرح سه سیزن را به ما بدهید که قرارداد ببندیم و پایلوت و فصل اول را بنویسید. در واقع بعد از اینکه فصل اول پخش شد به عنوان سازنده و مدیر شبکه تصمیم می گیرند که فصل دومی که نوشته شده را بسازند یا سازند. من یکی از کسانی هستم که زیر بار نمی روم که فصل دوم «می خواهم زنده بمانم» و «بانوی عمارت» را بسازم، چرا که از قبل پیش بینی نکرده‌ایم.

سال است که قصه عشقی-ادبیات را در نظر نمی گیرم و در حوزه تصویری صحبت می کنم- داریم و قصه عشقی عدم توازن دختر و پسری که عاشق هم می شوند را ارائه می دهیم. برای مثال پسر پولدار و دختر فقیر، عشق های ناکام و... که همه این ها دارد تکرار می شود؛ می خواهد «لاو استوری» آر تور هیلر یا سریال مجید مولایی باشد. فارغ از ارزشگذاری اجتماعی و آسیب های روانی در بستر جامعه همچنان خشونت جواب می دهد و جنسیت در کانتکس خودش در جهان جواب می دهد، عشق نامتعارف و خیانت هم جواب می دهد. تاریخ فیلم و سریال می گوید. یک وقتی از کار کرد فیلم و سریال به یک نابهنجاری اجتماعی تبدیل می شود و یک وقتی هم هست که دارد به عنوان یک عنصر نمایشی به اندازه کار کرد خودش آسیب اجتماعی را نقد می کند. حال پاسخ بدهید که عنصر خیانت خوب است یا بد است؟ عنصر خیانت در فیلم «دعوت» ابراهیم حانمی کیا هم هست و در فیلم «چهارشنبه سوری» هم هست و در فیلم «خصوصی» حسین فرح بخش هم هست. چرا در یک اثر از آن به عنوان یک امر مبتذل یاد می کنیم و در یک جایی می گوئیم که محل تفکر اجتماعی هم هست.

**یعنی پیش نمی آید که تهیه کننده از نویسنده چنین چیزی را بخواهد و آن را در فیلمنامه قرار دهد؟**

**عقبا:** فرض کنیم که من نویسنده هستم و مجید مولایی تهیه کننده است. اگر مجید مولایی از من بخواهد که یک خیانت هم در فیلمنامه بگذارم، آیا من این حرف را گوش می دهم؟ اگر شخص نویسنده باشد که این کار را نمی کند و اگر تهیه کننده واقعا تهیه کننده باشد - منظور من کلمه واقعی تهیه کننده است و نه کسی که یک کیف در دست دارد و در آن پول است- هیچ وقت به نویسنده‌اش نمی گوید که یک خیانت هم در فیلمنامه بگذار به این دلیل که خیانت امروز می فروشد. یک صحنه خشن هم بگذار چون خشونت می فروشد. این اتفاق که شما می گوئید البته پیش می آید اما زمانی که فرد از این دایره حرفه



سؤال اما اینجاست که چرا بعد از گذشت ۵-۶ سال ناگهان می خواهید فرمان آقا را اجرایی کنید؟ چرا در این ۵ سال نتوانستید یک تعریف درست برای صوت و تصویر فراگیر فراهم کنید؟ چرا هیچ جریانی تعریف نشده و باید بر اساس یک تبصره در قانون بود چه حرف بزئیم

ای خارج می شود و دیگر تهیه کننده، تهیه کننده نیست و نویسنده، نویسنده نیست و کارگردان هم، کارگردان نیست.

**مولایی:** خارج از ایران هم این مشکل را دارند و بعد از اینکه «گیم آف ترونز» پخش شد، مدیر اچ بی او مصاحبه کرد که سطح توقع مخاطب بالا رفته و توقع اینکه فکر کنید همه سریال های مافزار است که «گیم آف ترونز» باشد درست نیست. این یکی از چالش های جدی این بیزنس است. برای مثال در حال حاضر یکی از پلتفرم ها «زخم کاری» را تولید کرده و زمانی که پخش آن تمام شد واچ تایم آن به یک عددی رسید. جمعه هفته بعد که سریال دیگری را به جای آن پخش کردند حجم بیننده از پایان «زخم کاری» بالاتر بود و می خواستند که این را اعلام کنند. من به آنها گفتم

که صبر کنید و بگذارید سه، چهار قسمت بگذرد و تکلیف ضعف این سریال مشخص شود. در تلویزیون به این دلیل که حاکمیتی است، مخاطب چه ببیند یا نبیند آمار می سازیم و هر کاری که دلمان می خواهد را می کنیم اما اینجا بحث ریال است. بحث این است که من یک میلیون و صد و پنجاه هزار واچ تایم داشته‌ام و در سریال های بعدی پایین تر آمده‌ام، پس باید چه کار کنم که این روند را رو به رشد حفظ کنم؟ باید ببینم که بازار چه اقتضاتی دارد. وقتی که من «زخم کاری»، «می خواهم زنده بمانم»، «فور باغه» و «آقازاده» را پخش می کنم و مخاطب من این سریال ها را می بیند دیگر بعضی سریال هایی که من نمی خواهم از آن ها اسم ببرم را نمی خواهد و تماشا نمی کند. برای مثال چه قبول کنیم و چه قبول نکنیم